

از شما خواهش می‌کنم بیشتر جستار بنویسید

نویسنده: دن کو

تاریخ انتشار: ۲ آوریل ۲۰۲۶

ترجمه کامل فارسی

عنوان اصلی

I'm begging you to write more essays

من از شما خواهش می‌کنم که جستارها بیشتری بنویسید. یا اگر قبلا این کار را نکرده اید شروع به نوشتن جستار کنید. نه، نه مثل انشاهایی که در مدرسه به شما محول شده بود. من در مورد یکی از بهترین ابزارها برای یادگیری سریع‌تر، عمیق‌تر فکر کردن، بهبود بیان ایده‌ها و باورهای خود و اجتناب از جایگزین شدن با هوش مصنوعی صحبت می‌کنم. اما اینها مزایای شخصی خودخواهانه نوشتن است. چیزی عمیق‌تر وجود دارد

محیط اطلاعاتی مدرن در حال شکستن توانایی ما برای تفکر است و اکثر مردم حتی متوجه نمی‌شوند. جستار ممکن است یکی از آخرین اشکال محتوا باشد که در واقع ظرفیت شما را برای درک واقعیت توسعه می‌دهد.

ما در بزرگترین مقیاس تولید تفکر تقلبی در تاریخ بشر زندگی می‌کنیم. عواقب آن بسیار زیاد است و تنها تعداد کمی از افراد به آن اهمیت می‌دهند. در این نامه، من می‌خواهم دقیقا به شما نشان دهم که چگونه این اپیدمی تفکر تقلبی (اگر همینطور ادامه یابد) نه تنها زندگی شما را بدتر می‌کند، بلکه به‌طور بالقوه منجر به فروپاشی جامعه می‌شود. سپس، می‌خواهم به شما کمک کنم تا اولین جستارهای خود را بنویسید تا بتوانید یکی از باارزش‌ترین منابعی را که در اختیار دارید، یعنی ذهنتان، اصلاح کنید. (تبدیل آن به شغل یا درآمد جانبی نیز ضرری ندارد).

۱ - اینترنت نمرده است، اما دارد ما را می‌کشد

کلام نوشتاری به‌عنوان نوع اصلی رسانه احتمالا برای کارکرد دموکراسی لازم بود، زیرا به ظرفیت توجه به یک ایده برای مدت زمان کافی برای درک آن نیاز داشت. - دانیل اشماختنبرگر

رسانه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی به معنای واقعی کلمه تهدیدی برای تمدن هستند. می‌دانم که دیوانه کننده به نظر می‌رسد. چگونه اسکرول در اینستاگرام واقعا می‌تواند منجر به فروپاشی جامعه شود؟ تماشای رقص کوچک فقط بخشی از استراحت X ضرری ندارد، درست است؟ خواندن نظر ۵ ثانیه ای کسی در مورد ترامپ در TikTok ناهار شماست، بله؟ بله، اما فقط زمانی که خیلی روی خودتان متمرکز باشید. وقتی بزرگ‌نمایی می‌کنید و می‌بینید که واقعا چه چیزی در حال بازی است، دیدن آن سخت است. ۳ لایه برای این وجود دارد. در اینجا با من بمانید، زیرا این موضوع عمیق است. لایه اول این است که عوام معرفتی در حال مسموم شدن است. مشترکات معرفتی چیست؟ آن را به عنوان منبع آب ما در نظر بگیرید، اما برای اطلاعات، و این بسیار مهم است. اکثر مردم اخبار را تماشا می‌کنند تا «آگاه شوند» یا برای آموزش خود، اما اگر دقت کنید، تازه از خود راضی می‌شوند. زندگی آن‌ها به سمت بهتر شدن تغییر نمی‌کند. در واقع، بیشتر مردم خسته‌تر، قطبی‌تر و خشن‌تر می‌شوند. هر زمان که در رسانه‌های اجتماعی پست می‌کنید، هر زمان که شخصی یک برنامه تلویزیونی یا فیلم می‌سازد، یا هر زمان که شخصی در Spotify موسیقی تولید می‌کند، عوام معرفتی (یا محیط اطلاعات عمومی) رشد می‌کند. بدیهی است که این امر پیچیده می‌شود و برای تعیین کامل به سطحی از تفکر سیستمی نیاز دارد، اما اگر محتوایی که در عموم منتشر می‌کنید بیشتر از اینکه کمک کند آسیب می‌زند، و با محتوایی که کمک می‌کند متعادل نشود، منبع آب فکری ما آلوده می‌شود. چرا این بد است؟ زیرا اطلاعاتی که شما یا هر فرد مصرف می‌کنید بر هویت آن‌ها تأثیر می‌گذارد. هویت آن‌ها بر مسیر زندگی و رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد. شکل محتوایی که مصرف می‌کنید، دامنه توجه، تحمل پیچیدگی، توانایی نگه داشتن تضادها و ظرفیت تفاوت‌های ظریف را آموزش می‌دهد. برای همین است که یاد می‌گیرید، درست است؟ برای اینکه خود را به دانش و توانایی شناختی مجهز کنید تا به زندگی مورد نظر خود برسید؟ اما فقط همین... قبل از اینکه بتوانید هر مشکلی را که یک تهدید تمدنی در آب و هوا، حکومت، همسویی با هوش مصنوعی، بهداشت عمومی یا بقیه است، حل کنید، به جمعیتی نیاز دارید که قادر به درک منسجم مشکل

باشد. ۹۹ درصد از مردم حتی نمی‌دانند که این مشکلات شامل چه مواردی می‌شود، زیرا از تماشای ویدیوی گربه در تلفن خود خوشحال هستند. نکته مهم در اینجا که بعداً به آن خواهیم پرداخت این است - آیا چیزی که مصرف می‌کنید یا می‌خورید منجر به تغییر رفتار مفید در خود و دیگران می‌شود؟ یا اینکه ناخودآگاه در اطلاعاتی غوطه ور می‌شوید که بی‌سر و صدا زندگی شما را بدتر می‌کند و محیط اطلاعاتی را با کمکی که به آن می‌کنید مسموم می‌کنید؟ این لایه یک است. یادآوری: ساخت یک سیستم محتوای ۲ ساعته در ۱۴ روز از ۷ آوریل (چند روز دیگر) شروع می‌شود. اگر علاقه مند به تبدیل نویسندگی متفکرانه به یک حرفه مدرن هستید، یا به سادگی می‌خواهید متوجه شوید که ایده‌هایی دارید که ارزش ارائه عمومی را دارند، قبل از تاریخ شروع به عضویت در نظر بگیرید.

[اینجا را بررسی کنید.](#)

۲ - سه نیرویی که توانایی تفکر تمدن را از بین می‌برند

از آنجایی که تکنولوژی انتخاب‌های ما را قدرتمند می‌کند و ما چیزی شبیه به قدرت خدایان به‌دست می‌آوریم، شما باید چیزی مانند عشق و خرد خدایان را داشته باشید تا از آن استفاده کنید یا خود ویران شوید.

می‌خواهم شما را با یکی از مهم‌ترین متفکران زمانه آشنا کنم. نام او دانیل اشماختنبرگر است. او پست زیادی نمی‌گذارد، اما گاهی اوقات در پادکست‌ها ظاهر می‌شود. وقتی به آن‌ها گوش می‌دهید، فوراً می‌توانید بگویید که او یک متفکر سیستمی آرام، ظریف و غیر قطبی است. او زندگی خود را وقف چیزی کرده است که متاکریسیس می‌نامد، و در حالی که بسیار عمیق‌تر از نوع محتوایی است که در اینترنت پست می‌شود، این چیزی است که ما روی آن تمرکز خواهیم کرد. به‌طور خلاصه، Schmachtenberger معتقد است که ۳ تهدید بزرگ وجود دارد که می‌تواند منجر به ۳ نتیجه شود که دو مورد از آن پیامدها فاجعه بار است. ۳ تهدید (او آن‌ها را توابع مولد می‌نامد) عبارتند از:

- پویایی رقیب - بازی‌های برد-باخت که در آن سود یک طرف مستلزم باخت طرف دیگر است. به مسابقات تسلیحاتی، رقابت شرکت‌ها، محتوای رسانه‌های اجتماعی و انتشارات آکادمیک فکر کنید (اطلاعات انباشته برای انتشار ابتدا).

- مصرف بستر - «زیر لایه» چیزی است که باید وجود داشته باشد، مانند خاک برای گیاهان، توجه به رسانه، اعتماد برای بازارها. وقتی سیستم‌ها فونداسیون خود را سریع‌تر از آن که بتوانند بازسازی کنند مصرف می‌کنند، بد است. به تهی شدن خاک بالایی فکر کنید که هزاران سال طول کشید تا شکل بگیرد و اقتصاد توجه که ظرفیت شناختی انسان را سریع‌تر از بازیابی آن مصرف می‌کند.

- فناوری نمایی - ابزارها و سیستم‌هایی که خود را با نرخ‌های شتاب دهنده بهبود می‌بخشند و از خرد انسانی پیشی می‌گیرند. فکر کنید ظرفیت هوش مصنوعی دو برابر می‌شود، سلاح‌های خودکار و الگوریتم‌های رسانه‌های اجتماعی سریع‌تر از آنچه که بتوانیم تأثیرات روانی آن‌ها را مطالعه کنیم، تکامل می‌یابند.

وقتی این ۳ چیز به هم نزدیک شوند، می‌توانند منجر به فروپاشی تمدنی (جنگ هسته‌ای، هوش مصنوعی غیرهمسو، تخریب زیست‌محیطی، همه‌گیری‌های مهندسی شده) یا کنترل دیستوپایی (نظارت کامل، اقتدارگرایی دیجیتال، حذف عاملیت فردی) شوند. او اینها را «جاذبه‌ها» یا حوضه‌هایی می‌خواند که جوامع پیچیده تمایل دارند در آن سقوط کنند. «جاذب سوم» یا نتیجه خوب در اینجا، دنیایی است که در آن حس‌سازی، درک مشترک و انگیزه‌های همسو وجود دارد. وقتی به اینترنت، هوش مصنوعی و رسانه‌های اجتماعی نگاه می‌کنیم، به راحتی

می‌توان فهمید که چگونه این کار انجام می‌شود. وقتی سازندگان برای جلب توجه رقابت می‌کنند، به‌جای دگرگونی (دینامیک رقیب) برای تعامل بهینه می‌شوند. این الگوریتم فقط میزان کلیک، تماشا یا لایک شما را اندازه‌گیری می‌کند، بنابراین سازندگان به احتمال زیاد حقیقت و تأثیر را برای هر چیزی که مردم را وادار به واکنش می‌کند کنار می‌گذارند. این یک مشکل آشکار است. وقتی تعامل بهینه می‌شود، محتوایی که افراد مصرف می‌کنند نیازی به تفکر یا درک ندارد، در نتیجه ماهیچه‌ها تحلیل می‌روند. "سوپسترای" مصرف شده ظرفیت شناختی است که در پایین دست توجه است. هوش مصنوعی تولید محتوا را تسریع می‌کند، بله، اما تقلید را نیز تسریع می‌کند، و وقتی فقط محتوای مخرب برای تقلید وجود دارد، می‌توانید ببینید به کجا می‌رود. خود هوش مصنوعی مسئله نیست. مسئله این است که می‌تواند چیزی شبیه به تفکر واقعی را تقلید کند، بدون اینکه نیازی به تلاش شناختی از سوی خالق یا مصرف‌کننده داشته باشد. بنابراین، نتیجه پیش‌فرض در اینجا این است که عوام معرفتی (یا تامین آب ذهنی) به‌طور باورنکردنی سریع مسموم می‌شود، زیرا برای محتوایی بهینه شده است که به نظر می‌رسد باید تفکر شما را تغییر دهد، اما از نظر ساختاری نمی‌تواند. این منجر به لایه سه می‌شود - چه کاری می‌توانید در مورد آن انجام دهید، و چگونه می‌توانید از آن به روشی معنادار سود ببرید.

۳ - چرا جستار شاید آخرین سنگر تفکر واقعی باشد

خرد الگوریتمی نیست و نمی‌توان آن را الگوریتمی کرد.

در چند دهه گذشته، نوع خاصی از محتوا بر اینترنت تسلط داشته است. به‌طور خاص، محتوایی که بدون نیاز به تفکر نتیجه‌گیری می‌کند. این فست فود برای ذهن است. بنابراین ما این دسته از رسانه‌ها را «محتوای سریع» می‌نامیم - زیرا شرکت‌های رسانه‌های اجتماعی از همان محرک‌های روان‌شناختی برای معتاد کردن شما استفاده می‌کنند، مانند شرکت‌های فست فود که متوجه شدند چربی، شکر و نمک کالاهای کمیاب هستند و مغز برای داشتن فراوانی سیم‌کشی نشده است. یافتن این منابع باعث افزایش دوپامین شد زیرا به بقا کمک می‌کردند. در انتهای طیف محتوای سریع، فهرست‌های BuzzFeed، توییت‌های خشم، خلاصه‌های ایجاد شده توسط هوش مصنوعی، موضوعات داغ، موضوعات بهینه‌شده تعامل، و توضیح‌دهنده‌های TikTok دارید که در ۳۰ ثانیه به شما احساس درک می‌دهند. منطقی است که چرا این روزها همه فکر می‌کنند متخصص هستند. پذیرندگان اولیه اینترنت می‌توانستند «۱۰ عادت برتر برای ثروتمند شدن تا ۳۰ سالگی» را پست کنند و صدها هزار خواننده آن‌ها را غرق کنند، اما چشم‌انداز تغییر کرده است. در محتوای آهسته طیف، یا محتوایی که شما را ملزم به فکر کردن می‌کند، جستارها، مکالمه‌های بهینه‌نشده طولانی، کتاب‌های خاص، سخنرانی‌های خاص و حتی توییت‌هایی دارید که به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که شما را وادار به دریافت بینش کند. من شخصا می‌خواهم روی جستار تمرکز کنم. چرا؟ زیرا آن‌ها چیزی هستند که می‌توانید به تنهایی تولید کنید و برای بهره‌گیری از اقتصاد معنی‌داری که به آن وارد می‌شویم، استفاده کنید. و جستارها مقیاس پذیرترین و بادوام‌ترین شکل هستند. یک مکالمه معنادار می‌تواند یک نفر را جابجا کند، اما در حافظه شرکت کنندگان زنده می‌شود و می‌میرد. یک جستار ظرفیت تفکر خواننده و نویسنده را توسعه می‌دهد و می‌تواند این کار را برای هزاران نفر در طول دهه‌ها انجام دهد. بیشتر در مورد آن در یک بیت. علاوه بر این، بیشتر مردم با نظراتی که هرگز به آن فکر نکرده‌اند راه می‌روند. آن‌ها احساس می‌کنند چیزی را باور می‌کنند، اما هرگز سعی نکرده‌اند آن را طوری بنویسند که از بررسی دقیق یک خواننده باهوش جان سالم به در ببرد. همچنین آسیبی نمی‌بیند که برخی از محترم‌ترین اذهان جهان از طریق نوشتن جستار شکل گرفتند: پل گراهام، آیزاک نیوتن، پترسون در دوران اوج خود، نیچه، امرسون و غیره. عامل تعیین‌کننده یک جستار این است که هوش مصنوعی نمی‌تواند یکی

بنویسد. برای درک، تشخیص جستار از جستار کمک می‌کند:

اگر در مورد آن فکر کنید، فقط یک انسان می‌تواند یک جستار بنویسد، زیرا یک ربات دیدگاه موقعیتی ندارد. تجربه مستقیم ندارد. می‌تواند دیدگاهی را که به آن می‌گویید اتخاذ کند، شبیه سازی کند، اما فاقد باورها، سوگیری‌ها و احساساتی است که شما را به فکر کردن و پرسش در جهت خاصی سوق می‌دهد. و صادقانه بگویم، تقریباً غیرممکن است که همه آن زمینه را به هوش مصنوعی بسپاریم، زیرا هر لحظه که می‌گذرد بر دیدگاه شما تأثیر می‌گذارد، و برای داشتن یک دیدگاه معنادار، مهمتر از آن، هوش مصنوعی جادوی شگفتی و کشف را از بین می‌برد. این یک نکته حیاتی است. شما می‌توانید به هوش مصنوعی بگویید که چیزی جدید را به اشتراک بگذارد، اما بعد آن را پیش بینی می‌کنید. دیگر جای تعجب نیست. شما هر شانس را که به یک اکتشاف دست و پنجه نرم می‌کنید را از بین بردید. ممکن است مطالب خوبی برای نوشتن در اختیار شما قرار دهد، اما از توانایی و تفکر خلاقانه خودتان نبوده است. هرچه بیشتر از هوش مصنوعی استفاده می‌کنم، آن را بیشتر مفید می‌دانم، اما در لبه دیگر شمشیر، خلاقیت را بسیار سریع از بین می‌برم. من نمی‌توانم باور نکنم (حتی به عنوان فردی که طرفدار هوش مصنوعی است) که بیشتر محتوای مرتبط در اینترنت به صورت جستار خواهد بود. محتوای آهسته

۴ - اقتصاد معنا و راه پیشرفت در آن

چند سالی است که معنای اقتصاد در حال ظهور است. هوش مصنوعی فقط این را تسریع کرده است. چرا؟ زیرا معنا کمیاب‌ترین کالای حال حاضر تمدن است. قبل از صنعتی شدن، ما خدایان را در آسمان ستایش می‌کردیم. در طول صنعتی شدن، بهره‌وری را خدای خود قرار دادیم. امروز خدای ما بیشتر است. پول بیشتر، اطلاعات بیشتر، محتوای بیشتر. ما چیزهای بیشتر و هدف کمتری از همیشه داریم. به نظر من، معنی با قیمتی ممتاز فروخته خواهد شد. مردم بیشتر از آنچه که قبلاً انجام می‌دهند، اشتیاق آن را خواهند داشت. و چه کسی بهتر از کسانی که عوام معرفتی را شکل می‌دهند معنا می‌بخشد؟ ارزش آفرینانی که با مسمومیت منابع آب مبارزه می‌کنند. اما معنا چگونه ایجاد و تجربه می‌شود؟ معنا تجربه آگاهی منظم است. هنگامی که توجه تکه تکه، پراکنده و به جهت‌های رقابتی کشیده می‌شود، آنتروپی روانی است. احساس اضطراب، کسالت و بی‌قراری است. هرج و مرج. وقتی توجه روی یک فعالیت پیچیده و چالش برانگیز با بازخورد روشن سرمایه‌گذاری می‌شود، این یک ننگ‌روپی روانی است. مانند جریان، هدف و معناست. سفارش دهید. بنابراین، معنا چیزی نیست که شما در آنجا در دنیا پیدا کنید، بلکه حالتی از آگاهی است که زمانی پدیدار می‌شود که توجه شما به چیزی پیچیده شود که به اندازه کافی شما را درگیر کند. اگر سطح ۱۰ هستید، چالش سطح ۱ خسته کننده است و چالش سطح ۲۰ دلهره آور است. اما یک چالش سطح ۱۱ فقط کافی است تا شما را در آن قفل کند. معنا از طریق فرآیند نظم دادن به آگاهی ایجاد می‌شود.* عمل نظم دادن به آگاهی (به‌دست آوردن هرج و مرج و ایجاد ساختار، مبارزه با پیچیدگی تا زمانی که منسجم شود) منجر به معنا می‌شود. اگر تا به حال در بلاتکلیفی گیر کرده اید، درگیر این بوده اید که زندگی تان کجا باید برود، و در نهایت شفافیتی را دریافت کرده اید که شما را به یک زندگی معنادار تبدیل می‌کند، مستقیماً این را تجربه کرده اید. این چه ربطی به محتوا و جستار دارد؟

فرصت اینجا چیست؟ دنیا نیازی به افراد بیشتری ندارد که برای بیشترین پست خشمگین رقابت کنند. همچنین برای ساختن شرکت هوش مصنوعی میلیارد دلاری بعدی، نیازی به افراد بیشتری ندارد که تلاش کنند به سازنده‌ترین فرد جهان تبدیل شوند. در عوض، به افراد معمولی نیاز دارد که ذهن خود را درک کنند و آن‌ها را در انظار عمومی مستند کنند. قبلاً، من این افراد را «خالق ارزش» می‌نامیدم (زیرا از اینفلوئنسر معمولی یا برند شخصی متمایز است). این

فردی است که مسیر مثبتی را برای زندگی خود انتخاب می‌کند، عمیقا به علایق و مهارت هایی که به حرکت سوزن به سمت آن کمک می‌کند اهمیت می‌دهد و سفر خود را از دیدگاه خود به دیگران منتقل می‌کند که می‌توانند با آن ارتباط برقرار کنند و از آن بهره ببرند. با همه معیارها، من معتقدم که این روشی آینده‌نگر و عمیقا معنادار برای زندگی است. مطمئنا، شما یک محصول فیزیکی ملموس ایجاد نمی‌کنید، اما باعث ایجاد یک آبشار بزرگتر می‌شوید. یعنی شما در حال تامین ریشه هستید. اطلاعاتی که بر هویت تأثیر می‌گذارد و بر رفتار تأثیر می‌گذارد که بر شکوفایی یا نابودی تمدن تأثیر می‌گذارد. حتی ساخت موشک هم قدرت زیادی ندارد.

۵ - چگونه در برابر دیگران فکر کنیم (و چرا این بارزش‌ترین مهارتی است که می‌توانید پرورش دهید)

خنده دار است شما بچه‌ها آن را نمی‌بینید، اما نوشتن این نامه فوق العاده دشوار بود. من سه پیش‌نویس جداگانه درباره «چرا باید جستار بنویسی» را حذف کردم، اما همه آن‌ها ناامید شدند. با این حال، با چسبیدن به چالش و ترکیب دیدگاهی که منجر به درک عمیق‌تری از آنچه می‌خواستیم بگویم، شد. و اگر این نامه ذهن و رفتار شما را به نحوی مثبت تغییر دهد، معنای بیشتری به زندگی من و شما خواهد داد. امیدوارم شما هم بتوانید همین حس را تجربه کنید. بنابراین، بیایید عملی شویم. در اینجا چیزی است که من می‌توانم برای اینکه شما را در مسیر درست شروع کنید، جمع آوری کنم، سپس در مورد جایی که می‌توانید جستار خود را عمومی کنید صحبت خواهیم کرد.

• • برای کشف بنویسید نه برای اجرا. به هر حال بیشتر مشارکت در رسانه‌های اجتماعی از بسته‌بندی ناشی می‌شود، و می‌توانید بعدا در مورد آن بیاموزید. با یک مفهوم، دیدگاه، سوال، تجربه، فکر، چیزی که شما را آزار می‌دهد یا موضوعی شروع کنید. یک جستار با عدم قطعیت و ذهن باز شروع می‌شود.

• • در مورد آنچه واقعا به شما علاقه دارد بنویسید. روی یک ایده اصلی تمرکز کنید. از این به عنوان زمانی برای تحقیق و یادگیری استفاده کنید. از سوراخ‌های خرگوش پایین بروید. دیدگاه همه را به چالش بکشید یک منبع را به عنوان قانون قبول نکنید.

• • بپرسید، "آیا من واقعا این را باور دارم؟" نوشتن آنچه قبلا به آن اعتقاد دارید آسان است، اما هدف این است که آنچه را که باور دارید تغییر دهید. این سخت‌ترین قسمت است. در مقابل میل به رفتار کردن طوری که کاملا حق با شماست مقاومت کنید.*****

• • جستار بخوانید، محتوای مرکزی مصرف کنید. ظرفیت حس سازی شما توسط ورودی‌های شما شکل می‌گیرد. نمی‌توانید انتظار داشته باشید که صفحه For You این محتوا را به شما ارائه دهد. شما باید به‌طور فعال فید دیجیتال خود را جستجو، سرپرستی و پرورش دهید.

• • یک مجموعه کار بسازید، نه یک تقویم محتوا. مردم برای یک قطعه محتوا، سازندگان را دنبال نمی‌کنند. آن‌ها برای بدنه کار منسجم خود دنبال می‌کنند. هر جستار بر اساس آخرین جستار است. هوش مصنوعی نمی‌تواند فلسفه منسجمی را که در طول سال‌ها تفکر واقعی ساخته شده است، تکرار کند.

منطقی است، اما از کجا شروع کنید؟ X یا Substack. اینها تنها دو بستری هستند که نوشتن و تفکر طولانی را در اولویت قرار می‌دهند. من قبلا چندین بار در این مورد نوشته ام، بنابراین شما را در این مورد رها می‌کنم. اگر می‌خواهید برای انجام این کار چالشی هدایت‌شده داشته باشید و نکات مهم و تاثیرگذار نوشتن را بیاموزید، در نظر

بگیرید

پیوستن به چالش قبل از ۷ آوریل.

- دن

منع مقاله

<https://x.com/thedankoe/article/2039738438602403899>